بستر هوش پایه‌محور برای فعالیت روح اشراق‌محور

شاگرد: اینکه دو قسم کردید و اشراق را در مقابل آن گذاشتید، لزوماً به این معنا نیست که پایه‌محور هیچ بهره‌ای از اشراق نداشته باشد؟ درست فهمیده‌ام؟

استاد: بله، من که پایه می‌گویم، پایه بودنش برای همین است که آن اشراق بتواند کار خودش را انجام بدهد. «قوی اثر النفس فیه» که حضرت در آن روایت فرمودند. در آن روایت اعرابی هم بود.

اشاره کردم - نمی‌دانم نگاه کردید یا نه؛ روایت اعرابی[1] منسوب به حضرت است - در آن روایت فرمودند نفس نباتی و نفس حیوانی و ... . بعد فرمودند: «فاذا فارقت، عادت إلی ما منه بدأت عود ممازجة لا عود مجاورة». اما برای نفس ناطقه که سومی بود، فرمودند: «فإذا فارقت، عادت إلی منه بدأت، عود مجاورة، لا عود ممازجة»؛ یعنی وقتی روح برمی‌گردد، حالش حال اقتران با مبادی عالیه است. نه اینکه مثل نفس آنها با «ما بدأ» ممزوج شود. این مطلب خیلی مهمی است؛ اگر حدیث سر برسد. البته تأمل در مطالبش که حرام نیست. ولی اگر سند آن و اعتبار آن با پیدا کردن نسخه‌های قدیمی سر برسد، مطالب مهمی در آن حدیث نفس است. مرحوم حاجی سبزواری در شرح الاسماء[2] ظاهراً هر دو را آورده‌اند.

«عود ممازجة لا عود مجاورة»، این تعبیری مهمی برای بحث ما است. مؤید حرف شیخ می‌شود که صور منطبعه است. اما در فقره بعدی که برای نفس ناطقه است، حضرت می‌گویند: «یعود عود مجاورة، لا عود ممازجة». حضرت چهارتا را فرمودند.

---

[1] الکلمات المکنونه، ص ۱۰۶: «روي ان أعرابیا سأل امیر المؤمنین علیه السلام عن النفس فقال له عن ای نفس تسأل؟ فقال: یا مولای هل النفس أنفس عدیدة؟ فقال علیه السلام: نعم، نفس نامیة نباتیة، ونفس حسیة حیوانیة، ونفس ناطقة قدسیة، ونفس إلهیة ملکوتیة کلیة. قال: یا مولای ما النامیة النباتیة؟ قال علیه السلام: قوة أصلها الاطباع الاربع، وبدو إیجادها مسقط النطفة، مقرها الکبد، مادتها من الطایف الأغذیة، فعلها النمو والزیادة، وسبب فرقها اختلاف المتولدات، فاذا فارقت عادت الی ما منه بدأت عود ممازجة لا عود مجاورة. فقال: یا مولای وما النفس الحسیة الحیوانیة؟ قال علیه السلام: قوة فلکیة وحرارة غریزیة أصلها الافلاک، وبدو ایجادها عند الولادة الجسمانیة، فعلها الحیاة والحرکة والاظلم والاغشم والاغلبة والاکتساب الاموال والاشهوات الدنیویة، مقرها القلب، سبب فرقها اختلاف المتولدات، فاذا فارقت عادت الی ما منه بدأت عود ممازجة لا عود مجاورة، فتعدم صورتها ویبطل فعلها ووجودها ویضمحل ترکیبها. فقال: یا مولای وما النفس الناطقة القدسیة؟ قال علیه السلام: قوة الاهوتیة، وبدو ایجادها عند الولادة الدنیویة، مقرها العلوم الحقیقیة الدینیة، مواداها التأییدات العقلیة، فعلها المعارف الربانیة، سبب فرقها تحلل الآلات الجسمانیة، فاذا فارقت عادت الی ما منه بدأت عود مجاورة لا عود ممازجة. فقال: یا مولای وما النفس الالاهوتیة الملکوتیة الکلیة؟ فقال علیه السلام: قوة الاهوتیة جوهرة بسیطة حیة بالذات، أصلها العقل منه بدت وعنه وعت وإلیه دلت فأشارت عودتها إلیه إذا کملت وشابهت، ومنها بدأت الموجودات و إلیها تعود بالکمال فهو ذات اللّه العلیا و شجرة طوبی و سدرة المنتهی و جنة المأوی، من عرفها لم یشق، ومن جهلها ضل سعیه وغوی. فقال السائل: یا مولای وما العقل؟ قال: العقل جوهر دراک محیط بالاشیاء من جمیع

جهاتها، عارف بالشيء قبل كونه، فهو علة الموجودات و نهاية المطالب انتهى».

[2] شرح الأسماء الحسنى نویسنده : السبزواري، الملا هادي جلد : ۲ صفحه : ۴۵

بازبینی #4
ایجاد شده 12 سپتامبر 2024 12:11:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 10:37:15 توسط ... .